

کلاس چہارم
ابوالقاسمی



گام به گام نگارش

درس ششم: آرش کمانگیر



طراح: سمیرا ابوالقاسمی

آرش کمان‌گیر

درس ششم

املا و دانش زبانی

۱ با توجه به متن درس های پنجم و ششم، جدول را کامل کنید.

			ل	ا	ح
		ت	ب	ح	ص
	ن	و	ح	ی	ج
ل	ا	ح	ش	و	خ
ت	ح	ا	ر	ا	ن

۲ مانند نمونه کامل کنید.

منتظر: انتظار

حکم: تحکیم - استحکام	تحقیر: حقارت - حقیر
نقص: ناقص	ماهر: مهارت

درس ششم نگارش؛ طراح: سمیرا ابوالقاسمی

🍌 ۳ جمله‌های متن زیر را جدا کنید و بنویسید هر جمله چه پیامی دارد. مانند نمونه، عمل کنید.

رنگ سَرَم، سبز بَرّاق است. طوق باریک سفیدی بر زیبایی گردنم افزوده است. من در نزارها و علفزارهای کنار رودخانه‌ها و دریاچه‌ها زندگی می‌کنم. شناگر ماهری هستم. بازی با امواج آب را دوست دارم. حالا مرا شناختی؟ من مرغابی هستم.

پیام جمله	جمله
سبز بودن رنگ سر	رنگ سَرَم، سبز بَرّاق است.
داشتن یک طوق باریک بر روی گردن	طوق باریکی بر زیبایی گردنم افزوده است
محل زندگی حیوان مورد نظر	من در نزارها و علفزارهای کنار رودخانه‌ها و دریاچه‌ها زندگی می‌کنم
مهارت در شنا کردن	شناگر ماهری هستم
علاقه به بازی کردن با موج‌ها	بازی با امواج را دوست دارم.
حدس زدن نام حیوان	حالا مرا شناختی؟
معرفی حیوان	من مرغابی هستم



جمله‌هایی را که واژه‌های زیر در آنها به کار رفته است از متن درس پیدا کنید و در جدول بنویسید.

ایرانیان

ایرانیان در برابر تورانیان
پایداری می‌کردند اما پیروزی
در برابر آنان دشوار بود.

ایرانیان از پیروزی ناامید و
از شکست اندوهگین شده
بودند.

ایران

هر جا که تیر فرود آید آنجا مرز ایران
و توران باشد.

من جان خود را در تیر خواهم گذاشت
و برای سربلندی ایران فدا خواهم کرد.
مرا یاری کن تا سرزمین ایران را از
دست دشمنان رها کنم.

از کوه و دره و دشت گذشت و در کنار
رود جیحون بر تنه‌ی درخت گردویی
که در جهان از آن تناورتر و بلندتر
نبود، نشست و آنجا مرز ایران و توران
شد.

درس ششم نگارش؛ طراح: سمیرا ابوالقاسمی

کلمه‌های داخل شکل را به طور مناسب، کنار هم قرار دهید و ترکیب‌های جدید بسازید.

نیم کمین بال نبرد انداز روز سر تیر منده زمین تیز انده

اندوگین تیزبال نیمروز تیرانداز نیرومند

سرزمین



۱ از روی سرمشق زیر، خوش خط و زیبا بنویسید.

دست در دست هم دهیم به مهر میهن خویش را کنیم آباد

دست در دست هم دهیم به مهر میهن خویش را کنیم آباد

دست در دست هم دهیم به مهر میهن خویش را کنیم آباد

۲ جدول را کامل کنید. برخی از خانه‌های جدول، حرف رمز دارند. حروف رمز را به ترتیب شماره‌های آن در خانه‌های زیر قرار دهید تا کلمه‌ی مورد نظر به دست آید.

۱ سختی
۲ مخالف قر
۳ مانند گل
۴ شکلیایی
۵ کسالت آور
۶ صبح زود
۷ از جنس فولاد
۸ غمگین و ناراحت
۹ تنومند و قوی
۱۰ موفقیت

کلمه‌ی رمز: ر ش م ا ن گ ی ر



الف) جمله‌های زیر را بخوانید و به کلمه‌هایی که مشخص شده است، توجه کنید.

در آنجا دست به دعا برداشت و با خدای خود زمزمه کرد.

من جان خود را در تیر خواهم گذاشت و برای سربلندی ایران فدا خواهم کرد.

آرش نام خدا را بر زبان آورد و با همه‌ی توان، کمان را کشید.

در مثال‌های بالا « و » جمله‌ها را به هم پیوند داده است؛ مثلاً در شماره‌ی یک، دو جمله‌ی زیر با

حرف « و » به هم وصل شده‌اند. به این ترتیب معنی دو جمله به هم ارتباط پیدا می‌کند. به این

حرف، نشانه‌ی ربط یا پیوند می‌گویند.

در آنجا دست به دعا برداشت.

با خدای خود زمزمه کرد.

ب) از ده سطر اول متن درس « ارزش علم » جمله‌هایی را که با نشانه‌ی ربط « و » به هم

وصل شده‌اند، پیدا کنید و بنویسید.

کنار دریا رفت و سوار کشتی شد.

در این مدت، حکیم آرام و شادمان بود و به زندگی و مردمان فکر می‌کرد.

موج‌های دریا یکی پس از دیگری از راه می‌رسیدند و خود را به کشتی

می‌کوبیدند.

چیزی نگذشت که کشتی چند تکه شد و مسافران در میان امواج گرفتار شدند.

حکیم هم به تخته پاره‌ای چسبید و دل به خدا سپرد تا چه پیش آید.

حکیم فهمید که از بلای توفان نجات یافته است و باید برای زنده ماندن خود

چاره‌ای بیندیشد.



الف) بند زیر را با دقت بخوانید و «**جمله‌ی موضوع**» آن را بنویسید. موضوع کلی و کوچک‌تر جمله‌ی موضوع را مشخص کنید و درباره‌ی جمله‌های دیگر بند در گروه گفت‌وگو کنید.

«می‌خواهم خاطره‌ی اولین روز مدرسه‌ام را برایتان تعریف کنم. آن موقع هفت‌ساله بودم. یک روز صبح زود دست در دست مامان به مدرسه رفتم. مدرسه‌ی ما یک حیاط بزرگ و قدیمی داشت. همین قدر یادم هست که صف‌های بچه‌ها تشکیل شد و من در صف کلاس اولی‌ها قرار گرفتم. مامان جلوی در مدرسه کنار والدین دیگر ایستاده بود و به من نگاه می‌کرد. من هم دائم او را نگاه می‌کردم که مبادا از آنجا برود. ناگهان دیدم مامان نیست. هر طرف را که نگاه کردم، او را ندیدم. فهمیدم که رفته است و شروع به گریه کردم. یکی از معلم‌ها که اشک‌های مرا دید با محبت دستم را گرفت و به سمت کلاس برد. او با من صحبت می‌کرد و مثل مامانم بسیار مهربان بود.»

جمله‌ی موضوع : **می‌خواهم خاطره‌ی اولین روز مدرسه را برایتان تعریف کنم.**

موضوع کلی:

خاطره‌ی اولین روز مدرسه

موضوع کوچک‌تر:

نبودن مادرم در مدرسه و محبت معلم

نویسنده‌ی این بند، خاطره‌ی اولین روز مدرسه‌اش را روایت کرده است. این نوع بندها را **بند روایتی** یا **روایی** می‌گویند. در بند روایتی، رویدادها به ترتیب یکی پس از دیگری به دنبال هم می‌آیند.

ب) یک بند روایتی درباره‌ی سفر به مشهد، یا هر موضوع دیگری که می‌خواهید، بنویسید.

پارسال تابستان با پدر و مادرم به سفر زیارتی مشهد رفته بودیم. خانه‌ای که اجاره کرده بودیم فاصله‌ی زیادی با حرم امام رضا (ع) نداشت. هر روز به حرم می‌رفتیم و دعا می‌کردیم و عصرها برای تفریح بیرون می‌رفتیم. چون بار اول من بود که به مشهد می‌رفتم برای زیارت حرم خیلی شوق داشتم. هیچ وقت خاطره‌ی آن زیارت را فراموش نمی‌کنم.

